بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد مرتد 1](#_Toc427990778)

[اقوال در توبه مرتد 1](#_Toc427990779)

[قول دوم در این مسئله 2](#_Toc427990780)

[قول سوم 2](#_Toc427990781)

[احتمال چهارم 2](#_Toc427990782)

[قول به عقاب اخروی 3](#_Toc427990783)

[استناد به آیات غفران 3](#_Toc427990784)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc427990785)

# حد مرتد

# اقوال در توبه مرتد

در بحث مرتد فطری میان شیعه و عامه اختلاف‌نظر وجود دارد و می‌توان گفت که عامه بر قبول توبه مرتد فطری اجماع دارند، اما قول نادری نیز مخالفت با این قول وجود دارد، لذا اجماع بیان‌شده را باید این‌گونه تفسیر نمود. در مغنی اقوال عامه را در چندین قول ترتیب دهی نموده است که در یک قول آن‌ها استتابه واجب است، در قول دیگر مستحب بوده که قول شافعی است.

و قول سوم در میان آن‌ها تفصیل بین فطری و ملی است. البته مصنف این کتاب قول اول را به استناد حدیثی از پیامبر (ص) و صحابه تأیید می‌کند.

از طرفی نیز در خاصه قولی به شهید ثانی و اسکافی نسبت داده‌شده که مرتد فطری نیز توبه‌اش قبول می‌شود همان‌طور که در فقهای معاصر نیز مرحوم آقای شیرازی بدان قائل بودند. اما روایاتی که در قبال توبه مرتد فطری بود آورده شد و اجمالاً موردبررسی قرار گرفت مانند روایتی که می‌فرمود؛

**«وَ عَنْهُ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الْمُرْتَدِّ فَقَالَ مَنْ رَغِبَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ کفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَی مُحَمَّدٍ ص بَعْدَ إِسْلَامِهِ فَلَا تَوْبَةَ لَهُ وَ قَدْ وَجَبَ قَتْلُهُ وَ بَانَتْ مِنْهُ امْرَأَتُهُ وَ یقْسَمُ مَا تَرَک عَلَی وُلْدِهِ.» [[1]](#footnote-1)**

# قول دوم در این مسئله

قول دوم این است که در قبال مرتد فطری توبه قبول می‌شود اما به نسبت آثار اخروی آن. همان‌طور که لازمه قول خداوند همین امر است؛

**«وَ مَنْ یرْتَدِدْ مِنْکمْ عَنْ دِینِهِ فَیمُتْ وَ هُوَ کافِرٌ فَأُولئِک حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولئِک أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فی‌ها خالِدُونَ»[[2]](#footnote-2)**

این نظریه دوم است که برخی بدان قائل شدند و مانند صاحب جواهر آن را تقویت نمودند.

# قول سوم

قول سومی در این زمینه وجود دارد که ازلحاظ اخروی توبه او مقبول است و در قبال آثار دنیوی تنها آثار مربوط به باب ارتداد که تقسیم اموال و غیره بود از او سلب نمی‌شود، والا آثار دیگر ابواب فقهی با توبه برای او بازخواهد گشت. برای مثال این فرد حتی می‌تواند دوباره ازدواج کند.

آقای تبریزی و فاضل نیز همین قول را پذیرفتند.

# احتمال چهارم

احتمال چهارمی نیز دراین‌بین است که برای آن قائلی سراغ نداریم ولی احتمالش در کلمات فقها مطرح‌شده است که توبه او از جهت اخروی مقبول است و در آثار دنیوی در قبال آثار مربوط به خود او موردقبول است یعنی او می‌تواند صاحب‌مال شود و احکام مسلم بر او جاری گردد. البته قول دیگری نیز در این میان بود که توبه از هیچ نظر مقبول نیست.

## قول به عقاب اخروی

قول به عقاب اخروی فرد در صورت توبه، قولی است که از چند جهت دارای اشکال است، اولاً مخالف با بداهت عقل و ارتکازات عرفی و شرعی است و ادله قبول توبه از قبول تخصیص ابا دارد. و عبارتی که در روایات مبنی بر عدم توبه برای اوست نباید مطلق معنا شود که اشکال مذکور به ذهن بیاید چراکه آن عبارت وقتی در کنار بینونت همسر و غیره دیده می‌شود، به سمت آثاری از این قبیل انصراف پیدا می‌کند.

علاوه بر اینکه قائل شدن بدین قول تالی فاسدهای متعددی را به دنبال خود خواهد آورد و اموری که به‌هیچ‌وجه نمی‌شود موردقبول واقع شود.

### استناد به آیات غفران

فراتر از همه این‌ها تواتر آیات کریمه در غفران خداوند وجود دارد همانند؛

**«إِنَّ اللَّهَ یغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیم»[[3]](#footnote-3)**

### نتیجه‌گیری

با همه قرائن بیان‌شده و قرائنی که در این زمینه وجود دارد می‌توان گفت قول به عدم پذیرش توبه به نحو مطلق قول صحیحی نیست.

1. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 6، ص: 174 [↑](#footnote-ref-1)
2. 217/بقره [↑](#footnote-ref-2)
3. زمر/53 [↑](#footnote-ref-3)